گزارش

چین تنها برنده میدان نفتی عراق قرنا

• **ترجمه و تلخیص: ابراهیم رضایی‌راد:** بیانیه هفته گذشته وزیر نفت عراق، احسان عبدالجبار، مبنی بر این بود که شرکت ملی نفت عراق (INOC) که به‌تازگی احیا شده است، موافقت دولت را برای تصاحب سهام ۳۲،۷ درصدی اکسون‌موبیل در میدان نفتی غول‌پیکر «قرنای غربی ۱» تا سقف ۳۵۰ میلیون دلار دریافت کرده است. به‌طور خاص، ماده ۱۲ قانون مربوط به تأسیس INOC، همان‌طورکه توسط اقتصاددان ارشد سابق وزارت دفاع عراق و متعاقبا رئیس مشاور توسعه و تحقیقات توسعه مستقر در اسلو، احمد موسی جیاد تأکید شده بود: مضحک‌ترین و ازهم‌گسیخته‌ترین جنبه‌های مخرب و خلاف قانون اساسی این قانون [پوشش قانونی فساد رسمی و دزدسالاری با اختصاص سه صندوق [صندوق شهروندی، صندوق نسل‌ها، صندوق بازسازی] حداقل ۱۰ درصد از درآمدهای صادرات نفت به تشخیص هیئت‌مدیره توسط این قانون است. وی در آن زمان اضافه کرد، قدرت هیئت‌مدیره INOC می‌تواند بیشتر گسترش یابد، زیرا طبق نسخه ۲۰۱۸ قانون، درآمدهای حاصل از صادرات و فروش نفت و گاز به‌عنوان درآمدهای مالی برای INOC در نظر گرفته می‌شود. جیاد گفت: این یک نقض آشکار قانون اساسی است که می‌گوید نفت و گاز متعلق به مردم عراق است و به یک شرکت دولتی بازگشت مالی ندارد. شرکت مستقل تجزیه‌وتحلیل ریسک، شفافیت بین‌الملل، حتی بدون وجود یک نهاد متمرکز مانند INOC برای تمرکز و کنترل همه عناصر کلیدی مرتبط با پرسودترین بخش تجاری عراق (نفت هنوز حدود ۹۰ درصد از کل درآمدهای دولت را تشکیل می‌دهد)، در شاخص ادراک فساد خود که در آن عراق همیشه در رده‌بندی یا نزدیک به آخر قرار دارد، همواره خاطرنشان می‌کند که این کشور نشان می‌دهد اختلاس گسترده، کلاهبرداری‌های گسترده، پول‌شویی، قاچاق نفت و رشوه‌دهی گسترده بوروکراتیک کشور را به پایین‌ترین سطح سوق داده است. براساس بیانیه‌ای که در سال ۲۰۱۵ توسط وزیر نفت عراق - و بعدا نخست‌وزیر عراق - عادل عبدالمهدی صادر شد، عراق از ابتدای سال ۲۰۱۱ تاکنون ۱۴،۴۴۸،۱۴۶،۰۰۰ دلار آمریکا از دست داده که این رقم پرداخت‌های غرامت نقدی ظاهرا به شرکت‌های نفتی بین‌المللی و سایر نهادهای مرتبط است. نبود شفافیت و نابسامانی در قراردادها. حسابداری عاملی شده است که بعضی از شرکت‌های بزرگ نفتی غربی از جمله اکسون‌موبیل در ماه‌های اخیر از این کشور خارج شده‌اند. همان‌طورکه در سال ۲۰۱۹ به‌طور انحصاری توسط اویلپرایس مشخص شد، اکسون‌موبیل برای سال‌ها ناامید بود تا از پروژه کلیدی حیاتی برای برنامه‌های عراق برای افزایش چشمگیر تولید نفت خام خود پروژه مشترک تأمین آب دریا (CSSP) خارج شود. زمانی که مشخص شد عراق قرار نیست با اجازه‌دادن به ایالات متحده یا اتحادیه اروپا به ریسک/ مقبول پرداخت وکلا و حسابدارانی که برای بررسی قراردادهای حقوقی مربوط به پروژه یا مشارکت در حساب‌ها آورده شوند، اکسون‌موبیل به عراقی‌ها اعلام کرد نمی‌خواهد به مشارکت خود در CSSP ادامه دهد و علاقه خود را درباره حضور در قرنای غربی ۱ از دست داده‌اند. وسعت و عمق فرهنگ بومی فساد در عراق حتی درباره مسئله حیاتی امنیت این کشور مشهود است، همان‌طورکه در گزارش‌های خبری محلی برجسته شده است. این منجر به وضعیتی شد که صدها میلیون دلار در طول سال‌ها توسط غرب به‌طور خاص برای حفظ ناوگان هواپیماهای جنگنده F-16 به عراق داده شد، در عوض در حساب‌های بانکی تمام لایه‌های مدیریتی درگیر در برنامه به‌صورت محلی تمام شد. پول زیادی دزدیده شد که تا اواسط سال ۲۰۲۰ تنها هفت جت از ناوگان فقط ۲۰ درصد از کل هنوز قادر به پرواز بدون خطر جدی سقوط بودند. این دقیقا محیط پرهرج‌ومرج است که چین و روسیه فرصتی برای نفوذ خود در آن می‌بینند و درمورد بخش نفت عراق نیز چنین بوده است که با میانگین هزینه حمل هر بشکه نفت خام حدود یک تا دو دلار آمریکا (هزینه عملیاتی بدون احتساب هزینه‌های عملیاتی و مخارج سرمایه‌ای، همراه با ایران و عربستان سعودی کمترین هزینه توسعه را در جهان ارائه می‌دهد. قرنای غربی ۱، واقع در حدود ۶۵ کیلومتری مرکز اصلی نفت و صادرات بصره در جنوب عراق، دارای بخش قابل‌توجهی از ۴۳ میلیارد بشکه ذخایر قابل استحصال است که در کل میدان غول‌پیکر قرینه غربی ذخیره می‌شود. در ابتدا تصور می‌شد که قرنای غربی حدود ۹ میلیارد بشکه از این ذخایر داشته باشد، اما اوایل سال گذشته، وزارت نفت عراق اعلام کرد که قصد دارد ظرفیت تولید نفت خام این میدان را به بیش از ۷۰۰ هزار بشکه در روز طی پنج سال آینده افزایش دهد. از ۴۵۰ تا ۵۰۰ هزار بشکه در روز فعلی، بر این اساس که ذخایر قابل استحصال بیش از ۲۰ میلیارد بشکه دارد. این فرصت باعث شد که چین به شکل پتروچاینا (بازوی فهرست‌شده شرکت ملی نفت چین) ۳۲،۷ درصد از سهام خود را در این حوزه بخرد، تقریبا هم‌زمان با تصاحب سهام اکسون‌موبیل و خود را به‌عنوان نیروی مسلط در این زمینه تثبیت کند.

منبع: اویل‌پرایس (oil price)

داستان پرابهام انتصاب علی‌عسگری در هلدینگ خلیج فارس

انتصاب با فشار از جای دیگری بود

محمد آزاد: عبدالعلی علی‌عسگری منصوب شد؛ منصوب به ریاست بر بزرگ‌ترین هلدینگ پتروشیمی کشور، بزرگ‌ترین مجتمع پتروشیمی خاورمیانه پس از غول عربستانی «سابک» و یکی از بزرگ‌ترین مجتمع‌های پتروشیمی جهان. جنجال بر سر این انتصاب این‌قدر در این روزها بالا گرفت که انگیزه‌ای هم اگر برای جنجال‌آفرینی وجود داشت، از بین رفته بود؛ اما چرا این انتصاب چنین جنجالی آفرید؟ به دلیل ناآشنایی علی‌عسگری با پتروشیمی؟ به دلیل اینکه او حتی یک صفحه رزومه کاری مرتبط با صنعت ندارد؟ مگر پیش‌ازاین هم از این دست انتصابات نداشتیم، در همین دولت فعلی حتی؟ دلیل حساسیت این ماجرا چه بود و تا امروز چه بر آن گذشت؟ برخی خبرها چنان داغ می‌شوند که پیگیری آنها می‌تواند صرفا به همین دلیل باشد.

هلدینگ خلیج فارس کجاست؟

شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس بزرگ‌ترین شرکت بازار سهام ایران با مارکت کپ ۲۹۱ هزار میلیاردتومانی است که در رده‌بندی صد شرکت برتر صنایع شیمیایی جهان در سال ۲۰۲۰ میلادی توانسته رتبه ۳۷ جهان و همچنین دومین شرکت بزرگ منطقه خاورمیانه را به نام خود ثبت کند. در آخرین گزارش به مجمع عمومی این شرکت سود خالص آن در سال منتهی به خرداد ۱۳۹۹ کمی بیش از ۴۰ هزار میلیارد تومان است. طبق این گزارش سرمایه هلدینگ در زمان عرضه اولیه در فروردین ۱۳۹۲، مبلغ ۲،۴۷۹ میلیارد تومان بوده است و تا آبان ۱۳۹۴ با ۱۰۴ درصد افزایش به پنج‌هزار میلیارد تومان از محل سود انباشته می‌رسد. این رقم تا سال ۱۳۹۹ با ۴۷۴ درصد افزایش به ۲۸،۷۰۰ میلیارد تومان می‌رسد. این شرکت از ارزآورترین شرکت‌های ایران در بدترین زمانه تحریم است. تنها صادرات شش‌ماهه ابتدای سال ۱۴۰۰ معادل ۲/۳۵ میلیارد دلار است. از دیگر دستاوردهای مالی این گزارش کسب مقام اول بیشترین مبلغ سود خالص در میان شرکت‌های پذیرفته‌شده در بازار سرمایه ایران و پرداخت مبلغ ۵۶۹ میلیون دلار بابت بازپرداخت و تسویه کامل بدهی ارزی شرکت به شرکت ملی صنایع پتروشیمی در سال مالی مورد گزارش یعنی سال ۱۴۰۰ است. شرکتی حقیقتا پرعظمت است. از مجموعه شرکت‌های زیرمجموعه این هلدینگ می‌توان به شرکت‌های پتروشیمی نوری، اروند، بندر امام، تندگویان، بوعلی سینا، خوزستان، پارس، ایلام، ارومیه، گچساران، هنگام، بروجن، دهدشت، کازرون، الماس ماهشهر، ان‌پی‌سی اینترنشنال، پلیمر آریاساسول، دو شرکت مهم تأمین‌کننده یوتیلیتی (فجر و مبین) و همچنین بسیاری از شرکت‌های بازرگانی و خدماتی اشاره کرد.

مدعیان دیگر

اما این شرکت معضلاتی دیگر برای پذیرفتن علی‌عسگری دارد، جز بی‌تجربگی و نداشتن هیچ رزومه مرتبط کاری. بخش بزرگی از سهام آن سهام عدالت است و مطابق قانون تغییر در هیئت‌مدیره آن باید به تصویب شرکت خصوصی‌سازی برسد. اولین جایی که این مسئله را مطرح کرد، خبرگزاری محافظه‌کار فارس بود. این خبرگزاری در مصاحبه با حسین قربان‌زاده، رئیس کل سازمان خصوصی‌سازی انتصاب عبدالعلی علی‌عسگری به سمت مدیرعامل هلدینگ پتروشیمی خلیج فارس را رد کرد. قربان‌زاده به فارس گفت: مطابق قانون، صورت‌جلسات مجامع شرکت‌هایی که سهام عدالت دارند یا در فهرست واگذاری هستند یا واگذار شده‌اند و دوره نظارت و اقساط آنها تمام نشده، ازجمله تغییر در اعضای هیئت‌مدیره حتما باید به تأیید سازمان خصوصی‌سازی برسد. به گفته قربان‌زاده «شرکت هلدینگ پتروشیمی خلیج فارس هم ازجمله این شرکت‌هاست و هنوز صورت‌جلسه‌ای به این سازمان ارسال نکرده است. ضمنا مطابق مصوبه شورای‌عالی بورس، اعمال حقوق مالکانه سهام عدالت غیرمستقیم تا پایان سال باید از سوی دستگاه‌های اجرائی ذی‌ربط با هماهنگی وزارت اقتصاد صورت گیرد و این اختیار وزارت اقتصاد از سوی وزیر اقتصاد به سازمان خصوصی‌سازی تفویض شده است». رئیس سازمان خصوصی‌سازی همچنین گفت: «هلدینگ پتروشیمی خلیج فارس حدودا ۲۴ درصد سهام عدالت غیرمستقیم دارد و هنوز برای معرفی نماینده این سهام با سازمان خصوصی‌سازی هماهنگی نشده است»؛ اما ۱۸ درصد دیگر از سهام هلدینگ خلیج فارس همچنان متعلق به دولت است و باید واگذار شود. این تصمیمی است که دولت روحانی در خرداد سال ۹۸ گرفت.

مخالفت مجلس با واگذاری سهم دولت از خلیج فارس پس از انتصاب علی‌عسگری

در این تاریخ دولت تصویب کرد باقی‌مانده سهام خود در شرکت‌های بزرگ بورسی را به‌صورت بلوکی و یکجا واگذار کند. آن‌طورکه گفته شده، ارزش کل سهام باقی‌مانده دولت در شرکت‌های بورسی ۹۰ هزار میلیارد تومان است. هلدینگ خلیج فارس نیز یکی از شرکت‌های موضوع مصوبه خرداد ۹۸ و سهام باقی‌مانده دولت است. ۱۸ درصد سهم می‌تواند یک کرسی در هیئت‌مدیره را از آن خریداری بکند. در ۲۵ آذرماه، زمانی که هنوز خبری از علی‌عسگری نبود، روزنامه دنیای اقتصاد در گزارشی نوشت «موضوع مهم دیگر خریداران احتمالی هلدینگ خلیج فارس است. یکی از خریداران احتمالی سهام هلدینگ می‌تواند تاپیکو باشد که همین حالا هم شش درصد سهامدار است. ارتباط تاپیکو و خلیج فارس همواره موضوع جذابی برای فعالان بازار سرمایه بوده است. در سال‌های اخیر چند باری هم بحث ادغام این دو مطرح شد؛ اما به نتیجه نرسید». در تاریخ هشتم دی ۱۴۰۰ وب‌سایت رسمی سازمان خصوصی‌سازی نهایتا از عرضه ۱۸ درصد سهم دولت در بورس خبر داد. مطابق این گزارش «واگذاری بلوک ۱۸درصدی هلدینگ پتروشیمی خلیج فارس در بورس به نوعی بزرگ‌ترین عرضه تاریخ بورس و همچنین بزرگ‌ترین عرضه تاریخ خصوصی‌سازی اتفاق خواهد افتاد». به گفته رئیس سازمان خصوصی‌سازی در این جلسه «با توجه به قرارگرفتن نام هلدینگ پتروشیمی خلیج فارس در فهرست واگذاری‌های سازمان خصوصی‌سازی، پس از برگزاری جلسات متعدد در ستاد اقتصادی دولت و هیئت واگذاری مقرر شد بلوک ۱۸درصدی سهام این شرکت در قالب بلوک‌های ۱۵، ۲ و یک درصدی در بورس واگذار شود». او در ادامه گفت: «نکته قابل‌توجه در زمینه واگذاری هلدینگ پتروشیمی خلیج فارس این است که بعد از واگذاری این سهام چه اتفاقی برای این مجموعه خواهد افتاد. براساس‌این باید گفت از سال ۹۲ و پس از واگذاری این شرکت شاهد بهبود شرایط آن از نظر سودآوری، اشتغال و... هستیم و به‌همین‌دلیل امیدواریم که با این واگذاری، کارایی مجموعه هلدینگ پتروشیمی خلیج فارس افزایش پیدا کند». روز ۱۹ دی بخش یک‌درصدی این سهام به ارزش چهارهزار میلیارد تومان انجام گرفت؛ اما پس از اعلام مدیرعاملی علی‌عسگری، صد نماینده مجلس با امضای نامه‌ای با این واگذاری مخالفت کردند. یکی از امضاکنندگان و موافقان عدم واگذاری تنها نماینده مجلس بود که در برابر تصمیم برای مدیرعاملی علی‌عسگری موضع مخالف و علنی گرفت و البته تنها کسی که با وجود تفاوت در گرایش سیاسی به سؤالات روزنامه «شرق» پاسخ گفت.

هیچ‌کس سخن نمی‌گوید جز یکی: به وزیر نفت دیکته کردند

در مدت نوشتن این گزارش در تلاش برای مصاحبه با افراد آشنا به موضوع، مسئولان، از فعلی و پیشین هیچ‌کس حتی به شرط افشانشدن نام، حاضر به سخن‌گفتن نیست و در این زمینه این گزارش حقیقتا استثنائی است؛ اما یک نماینده مجلس پیش‌ازاین نیز درباره این انتصاب مخالفت خود را عنوان کرده بود و تنها او به سؤالات «شرق» پاسخ داد؛ هادی بیگی‌نژاد. او پیش‌ازاین گفته بود: «درواقع شکل‌دهی به یک چنین زنجیره به‌هم‌پیوسته‌ای نیازمند تجارت ویژه‌ای است که باید طی سال‌ها فعالیت در این صنعت کسب شده باشد که علی‌عسگری واجد این ویژگی‌ها نیست. البته معنای این صحبت‌ها این نیست که مدیران قبلی حاضر در این صنعت، عملکرد بسیار درخشانی داشته‌اند بلکه موضوع این است که نباید شرایط را به دست خود وخیم‌تر کنیم»؛ اما کدام زنجیره؟ این قسمت اندکی طولانی را تحمل کنید تا به کار سخت مدیرعامل خلیج فارس پی ببرید. بیگی‌نژاد، نایب‌رئیس کمیسیون انرژی مجلس پیش از این سخنان گفته بود: «هلدینگ خلیج فارس، حدود ۳۶ درصد ظرفیت‌های کل پتروشیمی‌های کشور را در اختیار دارد. ۳۶ درصد سهام این مجموعه نیز به‌طور متمرکز نیست؛ بلکه این هلدینگ به‌صورت شبکه‌ای، سهامدار بسیاری از مجموعه‌های پتروشیمی کشور است؛ بنابراین هلدینگ خلیج فارس در پتروشیمی‌های مختلف سهامدار است و تصمیمات مربوط به آن در شمایل کلی صنعت پتروشیمی کشور تأثیرگذار است. در حقیقت هلیدنگ خلیج فارس، بزرگ‌ترین مالک پتروشیمی در کشور است. نکته بعدی آن است که برای رشد پتروشیمی در کشور، باید قدرت شبکه‌سازی مجتمع‌های پتروشیمی تقویت شود. برای مثال، برای توسعه زنجیره پروپیلن، باید دید پیوند کدام پتروشیمی‌ها با یکدیگر مقدور است تا این ایده با بهترین کیفیت انجام شود یا برای توسعه زنجیره متانول بررسی می‌شود که پیوند با کدام پتروشیمی‌ها مقدور است و بعد نسبت به اجرای آن اقدام کرد» و در ادامه توضیح داد: «درواقع از این طریق تلاش می‌شود خروجی یک شرکت، ورودی شرکت دیگری شود؛ یعنی محصول یک مجموعه تولیدی به‌عنوان خوراک مجموعه دیگری به کار گرفته شود. از طریق این هم‌افزایی‌ها است که ظرفیت‌های تولیدی و عملیاتی مجموعه‌های پتروشیمی کشور ارتقا پیدا می‌کنند. این شرایط را چه کسانی درک می‌کنند و زمینه اجرائی‌شدن آن را فراهم می‌کنند؟ کسانی که دو ویژگی کلی داشته باشند. نخست اینکه واقعا تعریف درستی از پتروشیمی داشته باشند و ابعاد و زوایای گوناگون را بشناسند. دوم اینکه در این صنعت فعالیت و مشکلات آن را درک کرده باشند. درواقع مدیران این صنعت باید از نزدیک و طی سال‌ها ممارست، دانش رسوب‌کرده این صنعت را دریافت کرده باشند» و علی‌عسگری واجد این شرایط نیست؛ اما این قسمت جنجالی سخنان او نبود. نماینده مردم ملایر درخصوص وعده وزیر نفت درباره استفاده از نیروهای متخصص در حوزه‌های گوناگون و اینکه آیا مجلس به بحث انتصاب علی‌عسگری ورود می‌کند، گفت: «بله، اگر این انتصاب از جانب وزیر نفت صورت گرفته بود و او در این خصوص تصمیم‌گیر بود، مجلس به بحث ورود می‌کرد و در قالب احضار، پرسش یا حتی استیضاح موضوع را پیگیری می‌کرد؛ اما در شرایط فعلی پیگیری‌های تقنینی مجلس هم احتمالا بی‌تأثیر خواهد بود. در ظاهر این انتصاب توسط وزیر نفت انجام شده؛ اما دستور استفاده از این شخص را نهادهایی بالاتر از وزارت نفت صادر کرده و به وزیر نفت دیکته کرده‌اند».

ادامه ماجرا: همین آقایان اگر ملک خودشان هم بود این‌گونه می‌فروختند؟

ما خواستیم ادامه ماجرا را بشنویم و با ایشان تماس گرفتیم. درخصوص چگونگی این انتصاب می‌گوید «انتصاب صورت‌گرفته منطقی نبود و نباید انجام می‌شد. این انتصاب باعث دلسردی جبهه انقلاب می‌شود و نیز طرفداران دولت. استدلال برخی این است که نفر قبلی هم از نفت و پتروشیمی نبود، چرا آن زمان اعتراضی نشد؟ پاسخ ما این است که تفکر غرب‌گرایان در کشور همیشه همین بوده و منفعت گروهی برای‌شان خیلی مهم است؛ اما از جبهه انقلاب توقع نداریم مثل ایشان اقدام کنند؛ ولی خوب بالاخره وزیر از اختیارات خودش استفاده کرده و خوب استفاده نکردند. البته این انتصاب با فشار جای دیگری بوده». می‌پرسیم به‌هرحال ایشان به شکل صوری که منصوب وزیر هستند. در مجلس و برای دفاع از جبهه انقلاب آیا نمی‌شود ترتیب جلسه‌ای داد حداقل برای ثبت در تاریخ؟ و پاسخ این است «تصمیم قانونی درست است و می‌گویند بررسی کردیم و ایشان بهترین گزینه‌اند، از این لحاظ برخوردی نمی‌شود؛ مگر عملکرد آینده ضعیف باشد و کار منطقی نبود و غلط است». می‌پرسیم موافق هستید که این موضوع سبب خوراک‌رسانی برای رسانه‌های بیگانه شده، از این جهت که ایشان هیچ سابقه‌ای در صنعت ندارند و شائبه‌هایی مانند فسادگریزی قوت بیشتری در افکار عمومی پیدا کرده است؟ که به طنز می‌گوید «با قسمت خوراکش موافقم!»؛ اما درباره مخالفت با واگذاری سهم دولت از هلدینگ بیگی‌نژاد معتقد است «اول آنکه دست دولت از سیاست‌گذاری در حوزه پتروشیمی کوتاه می‌شود. خوب پتروشیمی که حتی اساسنامه ندارد، چطور می‌خواهد سیاست‌گذاری کند، الان که سهامدار است، نمی‌تواند سیاست‌گذاری کند چه برسد که همین را هم نداشته باشد. به‌علاوه قیمت گذاشته‌شده خیلی پایین است. اگر بخواهیم همین حالا پتروشیمی‌ها را که تحت مالکیت هلدینگ هستند، بسازیم، ۳۰ میلیارد دلار پول می‌خواهد که این هم اولا به نرخ حالاست و زمان‌بر هم هست، یک‌سوم قیمت فروختن با استدلال اینکه قیمت بورس این است، عقلانی نیست. همین آقایان اگر ملک خودشان هم بود این‌گونه می‌فروختند؟ قطعا نه!».

هنوز ابهامات بسیار زیادی در این زمینه وجود دارد. ابهاماتی که پیگیری ما نیز تنها و تنها اندکی از آن کاسته است، تازه اگر توانسته باشد؛ اما آینده را هنوز منتظریم و تنها کار ممکن در شرایط فعلی انتظار است.

ادامه از صفحه اول

راه‌حل: انتقام یا توسعه؟!

نیاز به سیستم قانونی و اجرائی داریم که بتواند ساخت کالای ایمن و مسئولانه را به نحوی «قابل پیش‌بینی» از نتایج یک شکایت قانونی تضمین کند. فرمانده پلیس راهور کاملا درست می‌گوید که نمی‌توان برای هر خودرو یک پلیس گذاشت، همچنان‌که نمی‌توان برای بازرسی هر کالای ساخت داخل و وارداتی یک مأمور استخدام کرد. ما باید در نظام مسئولیت مدنی و اداری -نظام حقوقی که در عمل اجرا می‌شود نه قانون مسئولیت مدنی- کشورمان تجدیدنظر کنیم چون نظام قانونی-اجرائی ما براساس دکترین «حاکم، عقاب تیزچنگ» طراحی شده که دولت در هر زمینه و برای کنترل میلیون‌ها کالا و خدمات، با نظارت مستقیم سعی در ایجاد نظم اجتماعی و ایمنی دارد. اعمال این روش مناسب رژیم‌های حقوقی باز است که سیاست اقتصادی خود را براساس ورود آزاد کالا و خدمات خارجی، از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم شرکت‌های چندملیتی استوار کرده‌اند و بنگاه‌های صنعتی داخلی در نقش نمایندگان رسمی شرکت‌های مزبور به‌عنوان کارخانجات مونتاژ یا صرفا نماینده بازرگانی فعالیت می‌کنند؛ این کشورها در مرزهای ورودی و بازار داخلی یک بازرسی کیفی بسیار پیشرفته تدارک می‌بینند تا در کار مبارزه با کیفیت نازل یا شبه‌ساخته کالا و محصولات، به‌آسانی کامیاب شوند، ضمن آنکه حیثیت تجاری شرکت‌های چندملیتی خودبه‌خود عامل بازدارنده در ساخت بی‌کیفیت کالا و خدمات محسوب می‌شود. اغلب کشورهای غیرصنعتی و واردکننده در این دسته قرار می‌گیرند. اما برای کشورهایی مانند ما که سودای ساخت داخل و صادرات انبوه را در سر دارند، استفاده از این رویکرد فایده چندانی ندارد، چون حجم کالاهای ساخت داخلی امکان نظارت فعالانه را به‌شدت تضعیف می‌کند. این کشورها به‌ناچار باید با ایجاد چارچوب قانونی مناسب سازوکار اقتصادی را سازمان دهند. در اینجا رویکرد دوم اهمیت پیدا می‌کند؛ رویکرد «مصرف‌کننده-مدعی‌العموم» که مناسب هر دو نظام و به‌ویژه نظام‌های صنعتگر است، مصرف‌کننده جانشین عوامل دولت در بازرسی کالا و خدمات می‌شود و چون دارای انگیزه شخصی برای پیگیری است، بهتر و مؤثرتر از عوامل دولتی اقدام می‌کند. مهم‌ترین نهاد قانونی این سیستم در تبیین «مسئولیت» و «جبران»، قاعده مسئولیت محض/صریح و جبران خسارت تنبیهی/ عبرت‌آموز است که به‌وسیله تعاریف دقیق و مستند به هر قضیه حقوقی از «شخص»، «ذی‌نفع»، «زیان»، «خسارت»، «جبران»، «جبران جایگزین وسیله»، «جبران خارج‌سازی مطلوب پیشین»، «ایجاد عمدی تعدد مطلوب»، «معنوی»، «بی‌مبالاتی»، «سهل‌انگاری»، «بی‌احتیاطی»، «سبک»، «معمول»، «سنگین»، «تست عقلانیت»، «عرف (جدال عقل و عرف)، «فرض تقصیر»، «فرض مسئولیت»، «تئوری خطر»، «مسئولیت ثانویه»، «مسئولیت آبشاری»، «مسئولیت ناشی از فعل غیر»، «مسئولیت مطلق» و... یک آناتومی ظریف و دقیق به وجود می‌آید تا به میلیون‌ها رابطه موجود در اجتماع، نظمی سیستماتیک، ساختاری و خودکار ببخشد. نظمی که در نتیجه «درون‌سازی مدیریت» در تخصیص بهینه عوامل ساخت، تولید یا ارائه خدمات در یک بنگاه/ شرکت/نهاد/مؤسسه، به‌وجود می‌آید تا «ساختار» کارآمد شود. یک اجبار درون‌سازمانی خودجوش و به‌شدت نگران و مواظب برای ساخت کالای ایمن در زمینه محصول و/یا استخدام افراد شایسته در زمینه خدمات (کارمند، کارگر، پزشک و...)، تا هرگز با یک ادعای غرامت ناظر به جبران خسارت تنبیهی روبه‌رو نشوند.

ادامه در صفحه ۸

شورای عالی انقلاب فرهنگی ۳

ادامه از صفحه ۲

این یعنی جامعه علمی از لحاظ «فرهنگ علمی» بسامان می‌شود و کم و بیش واجد هنجارهایی می‌شود تا از گرداب «بی‌هویتی فرهنگی در فعالیت‌های علمی» مصون بماند. شورای عالی انقلاب فرهنگی باید همّ خود را مصروفِ ترغیب و حفظ چنین جریان‌سازی‌های طبیعیِ گفتمانیِ فرهنگی در جامعه کند. حفظ این جریان‌های طبیعیِ تنها از طریق «سیاست‌گذاری» ممکن نمی‌شود بلکه گاه از طریق «سیاست‌ناگذاری» و گاه از طریق مانع‌زدایی از سر آزادیِ این جریان‌های طبیعی انجام می‌شود. از این منظر، سیاست‌گذاری فرهنگیِ گفتمانی درواقع سیاست آزادیِ درون‌گفتمانی و نظریه‌پردازی‌های پیوسته به آن است. البته اگر نهادهای کلان سیاست‌گذاری را دعوت به این «تک وظیفه» جدید کنیم، سه مسئله مهم باقی می‌ماند. یکی مواجهه با افسردگی روانی ناشی از تغییر مسیر است؛ یعنی «افسردگی پس از تورم اداره»، دیگری هاضمه فکری و ظرفیت نظری این نهادها برای انجام چنین امر خطیری و سوم جسارت و شجاعت اندیشیدن و نحوه گزینش اعضای این نهادهاست. موج انقلاب زرد فرهنگی در پیش است و ما در گرداب ناکارآمدی گرفتاریم. نحوه برخورد ما با این سه چالش سناریوی انحلال این شوراها را معنی‌دار می‌کند. گاه کنش‌های مدیران و به‌ویژه تلاش‌های اعضای برخی شوراهای اداری یک واکنش روانی است و نه یک اقدام مدیریتی یا نه حتی یک کنش سیاسی. آنان نگران انجام وظیفه دینی یا فرهنگی یا سیاسی خویش‌اند و با وضع انبوهی از مقررات در خیال انجام وظیفه‌اند اما درواقع «انبوه مقررات» چیزی جز ضجه‌هایی در تکاپوی آرامش روانی کاذب نیست. درست همچون مادر داغداری که در عزای فرزند خویش ضجه می‌کشد؛ ضجه‌هایی از جنس وضع قانون، مقررات، رصد، پایش و نظارت.

شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی
شرکت پالایش نفت آبادان (سهامی عام)

فراخوان ارزیابی کیفی

شناسه آگهی ۱۲۵۷۴۷۱
نوبت دوم

شرکت پالایش نفت آبادان در نظر دارد مناقصه های مشروحه ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت برگزار نماید، کلیه مراحل برگزاری تشریفات مناقصه از دریافت اسناد ارزیابی کیفی و سایر مراحل بعدی مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت، نسبت به ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی جهت شرکت در مناقصات اقدام نمایند. ضمناً آگهی مناقصات این شرکت بصورت همزمان در روزنامه های کثیرالانتشار و وب سایت شرکت پالایش نفت آبادان به آدرس www.abadan-ref.ir درج و قابل مشاهده می باشد.

● از مناقصه گران واجد شرایط که آمادگی و توانایی انجام هر یک از مناقصه های ذیل را دارند دعوت بعمل می آید جهت شرکت در مناقصه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس صدرالاشاره مراجعه و پس از دریافت اسناد مربوط به ارزیابی کیفی (دفتر چه شماره یک و معیارهای ارزیابی کیفی بصورت رایگان) و مطالعه و تکمیل آن به همراه کلیه مدارک مورد نیاز مطابق با برنامه زمان بندی مربوطه، نسبت به بارگذاری اسناد مذکور در سامانه اقدام نمایند.

● تکمیل کلیه اطلاعات خواسته شده در فرمهای ارزیابی کیفی مناقصه گران به صورت دقیق و خوانا و بارگذاری تمامی مدارک و مستندات، سوابق کاری و مالی و همچنین ارائه صورت های مالی حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی و یا اعضای جامعه حسابداران رسمی در قراردادهای با مبلغ بیش از ده برابر نصاب معاملات متوسط الزامی است، (عدم ارایه صورت های مالی حسابرسی شده منجر به عدم انعقاد قرارداد با برنده مناقصه می‌شود)

در صورت عدم تکمیل و بارگذاری کامل اسناد استعلام ارزیابی کیفی و سایر مدارک فوق الاشاره، صلاحیت شرکت کنندگان قابل بررسی نخواهد بود و بارگذاری مدارک و سوابق مزبور هیچ گونه حقی را برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد. ضمناً مناقصه گران می بایست علاوه بر بارگذاری اسناد(حاوی رزومه، سوابق شرکت بهمراه تصویر مصدق شده آخرین تغییرات و دفترچه تکمیل شده شماره یک بهمراه اسناد مورد نیاز مندرج در دفترچه مذکور) و همچنین در صورت نداشتن رزومه و یا جهت به روز رسانی رزومه در کمیته فنی بازرگانی این شرکت ، نسبت به ارسال مدارک به آدرس کمیسیون مناقصات شرکت پالایش نفت آبادان – صندوق پستی ۱۱۱ اقدام نمایند. لازم بذکر است از مناقصه گرانی که در ارزیابی کیفی تائید شوند از طریق سامانه ستاد جهت دریافت اسناد مناقصه دعوت بعمل خواهد آمد.

● مناقصه گرانی که در ارزیابی کیفی تائید شده اند در مرحله ارائه پیشنهاد می بایست تصویر تضمین شرکت در مناقصه را در پاکت الف سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) بارگذاری کرده و اصل آن را در یک پاکت سربسته تا قبل از زمان گشایش پیشنهادها به دبیر خانه کمیسیون مناقصات واقع در دفتر مرکزی شرکت پالایش نفت آبادان تسلیم نمایند.

- اطلاعات تماس و نشانی دستگاه مناقصه گذار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پیشنهاد: آبادان- حاشیه اروند رود- جنب دروازه اصلی پالایشگاه- اداره کالا شرکت پالایش نفت آبادان تلفن ۵۳۱۸۳۷۸۱-۰۶۱ و شماره نمابر: نمابر۵۳۲۲۹۸۱۵-۰۶۱

ردیف	شماره مناقصه در دستگاه مناقصه گزار	شماره مناقصه در سامانه ستاد	شماره تقاضا	موضوع	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به ریال	برنامه زمان بندی مراحل مناقصه
۱	۴۰۰/۸۳/ک	۲۰۰۰۰۹۲۱۷۹۰۰۰۴۳۰	40-90-0044300012/P08	الکتروپمپ شناور P-1614 A/B SARP UNIT	۴۵۰،۰۰۰،۰۰۰	الف- مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی از سامانه ستاد از تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۴ لغایت ۱۴۰۰/۱۰/۲۳ ب-مهلت ارائه و بارگذاری اسناد ارزیابی کیفی توسط مناقصه گران از تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۴ لغایت ۱۴۰۰/۱۱/۰۷
۲	۴۰۰/۸۸/ک	۲۰۰۰۰۹۲۱۷۹۰۰۰۴۳۱	40-90-0042400022/P08	الکتروپمپ/پساب اسیدی محوطه مخازن اسید	۱،۶۵۰،۰۰۰،۰۰۰	
۳	۴۰۰/۱۰۸/ک	۲۰۰۰۰۹۲۱۷۹۰۰۰۴۳۲	40-90-9952400007/P08	دیزل پمپ / خودمکش	۱،۲۵۷،۸۶۰،۰۰۰	
۴	۴۰۰/۱۰۰/ک	۲۰۰۰۰۹۲۱۷۹۰۰۰۴۳۳	40-90-9942400018/P08	تابلو برق/تلمبه خانه کرود ۳	۱،۶۲۰،۰۰۰،۰۰۰	
۵	۴۰۰/۹۷/ک	۲۰۰۰۰۹۲۱۷۹۰۰۰۴۳۴	40-90-0044300014/P08	Ram Pumps / Fuel Oil Tank Farm Area	۹۶۲،۵۰۰،۰۰۰	
۶	۴۰۰/۸۱/ک	۲۰۰۰۰۹۲۱۷۹۰۰۰۴۳۵	40-90-0044300011/P08	پمپ / تلمبه توربینی آب مقطر واحد CR1	۴۰۰،۰۰۰،۰۰۰	
۷	۴۰۰/۶۵/ک	۲۰۰۰۰۹۲۱۷۹۰۰۰۴۳۶	38-90-7990300032/S04	TUBE SUPPORTS	۸۷۵،۰۰۰،۰۰۰	
۸	۴۰۰/۲۵/ک	۲۰۰۰۰۹۲۱۷۹۰۰۰۴۳۷	38-90-7970400089/P05	Parts For Fisher Level Trols	۱،۳۸۲،۵۰۰،۰۰۰	
۹	۴۰۰/۷۴/ک	۲۰۰۰۰۹۲۱۷۹۰۰۰۴۳۸	38-90-0010600028/S06	EJECTOR	۷۵۰،۰۰۰،۰۰۰	
۱۰	۱۴۰۰/۲۷	۲۰۰۰۰۹۲۱۷۹۰۰۰۴۳۹	01-90-0032029/G09	اسید سولفوریک با حداقل غلظت ۹۸٪	۱،۸۰۰،۰۰۰،۰۰۰	

روابط عمومی شرکت پالایش نفت آبادان